



مکتب روحانی مشاورهٔ مسیحی
بیش از رستگاری

**A Theology of
Christian Counseling**
More than Redemption

نویسنده: جی آدامز
مترجم: شاهرخ صفوی
ویرایش: فرح صفوی

پیشگفتار مترجم

شخصی که به مشاور مسیحی رجوع می کند در این کتاب "مقاضی" نامیده شده، و شخص مشاور نیز "مشاور" نامیده شده است. شاهرخ صفوی

فصل های کتاب

فصل اول:	نیاز مکتب روحانی در مشاوره مسیحی
فصل دوم:	مکتب روحانی و مشاوره
فصل سوم:	اصول کلام خدا - مشاوره و مکاشفه مخصوص
فصل چهارم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اساس محیط انسان
فصل پنجم:	اصول خدا - نام خدا و مشاوره مسیحی
فصل ششم (بخش ۱):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل ششم (بخش ۲):	اصول خدا - مشاوره مسیحی و دعا
فصل هفتم:	اصول خدا - مشاوره مسیحی و اصل تثلیث
فصل هشتم (بخش ۱):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل هشتم (بخش ۲):	اصول انسان - مشاوره مسیحی و زندگی انسان
فصل نهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و گناه انسان
فصل دهم:	اصول انسان - مشاوره مسیحی و عادت
فصل یازدهم:	اصول انسان - چگونه گناه بر افکار تاثیر می گذارد
فصل دوازدهم:	اصول رستگاری - بیش از رستگاری
فصل سیزدهم (بخش ۱):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل سیزدهم (بخش ۲):	اصول رستگاری - بخشش و مشاوره مسیحی
فصل چهاردهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و زندگی نو
فصل پانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و میوه روح القدس
فصل شانزدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و ریشه کنی
فصل هفدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و استقامت
فصل هجدهم:	اصول پاکسازی - مشاوره مسیحی و رنج
فصل نوزدهم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و کلیسا
فصل بیستم:	اصول کلیسا - مشاوره ایمانداران جدید
فصل بیست و یکم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و انضباط کلیسا
فصل بیست و دوم:	اصول کلیسا - مشاوره مسیحی و اعمال رحیم
فصل بیست و سوم:	اصول آینده - مشاوره مرگ و افراد در حال مردن
فصل بیست و چهارم:	اصول آینده - مشاوره مسیحی و قضاوت
فصل بیست و پنجم:	خلاصه مطالب

فصل ششم

اصول خدا (ادامه)

مشاوره مسیحی و دعا (بخش ۱)

در پیشنویس این کتاب راجع به اصول مکتبی خدا (Systematic Theology)، گفتم که راجع به آن و رابطه ای که با مشاوره مسیحی دارد، صحبت نخواهم کرد. و تا بحال سعی کرده ام این نکته را حفظ کنم.

اما اینجا لازم می بینم راه را کج کنم، چون جنبه ای در اصول مکتب وجود دارد که تا بحال در کتاب های منتشر شده، نادیده گرفته شده (با وجود اهمیتی که دارد و کوتاهی که در کشت و کار آن صورت گرفته است). این اصولی است که در دعا موجود می باشد. کتاب هائی که راجع به دعا نوشته شده اند، عمدتاً تشویق کننده اند، یا اصولی هستند، اما هیچ یک اصولی که بتوان در مشاوره بکار برد را عنوان نکرده اند. این کاری است که می خواهم بگونه ابتدائی در اینجا آغاز کنم^(۱).

جای دعا در مشاوره مسیحی

دعا، مکان عمده را در مشاوره مسیحی دارد، چه از جانب مشاور و چه از جانب متقاضی. آن مکتبی که ادعا ندارد خدا قدرت تغییر متقاضی را دارد، مسیحی نیست. نتیجتاً دعا باید جای عمده را داشته باشد، چون هر دو مشاور و متقاضی لازم خواهند داشت (در تمام مراحل) از خدا کمک بگیرند. و به این دلیل دعا لازم است. مشاوران انسانی (که اعتقاد به فرضیه های مردمی دارند، یا مردمی هستند با ظاهر مسیحی) ضعف خود را به این شکل نشان می دهند، چون دعا در کارشان نیست، حال هر نامی که بخواهند بر خود بگذارند. آن حکمتی که خدا را جویا نمی شود آفریننده را رد کرده و پیرو آفرینش شده، افکار و عقایدش انسانی است، و دردی را درمان نمی کند. دعا یعنی از خدا خواستن: حکمت، کمک، اصلاح، و برکت برای آنچه در پیش است. بدون دعا نمی توان انتظار داشت خدا از طریق روح القدس کار کند. (البته منظور این نیست که خدای حاکم نمی تواند، یا حتی نمی خواهد، بدون آنکه دعا کنیم کار کند. او قصد خود را بگونه ای که خود می خواهد فراهم می سازد. اما از نظر مشاور می توانیم بگوئیم که بدون دعا، انتظار برکت را نمی تواند داشته باشد).

نتیجتاً، اولین موضوعی که راجع به دعا می توان ذکر کرد (بقدری واضح است که لازم به توضیح ندارد) آن است که مشاور باید برای خود و متقاضی دعا کند، و از خدا بخواهد به کلامش در جلسه برکت دهد، و حکمت لازم را در انتخاب، تشریح، و استفاده آیات بدهد. و از خدا بخواهد تا دل متقاضی را آماة دریافت کلام بنماید. مشاوران معمولاً این دعا را قبل از جلسات می کنند، خصوصاً برای آنچه در جلسه مطرح خواهد بود^(۲). همچنین می توانند از یادداشت های خود بمنظور دعای شخصی استفاده کنند^(۳).

دعا در جلسات

دلایل بسیاری برای دعا هست. قبل از آنکه تصمیم مهمی گرفته شود، یا زمانی که متقاضی مقاومت قوی نسبت به کلام نشان می دهد، یا بعد از شنیدن خبر خوش، غم انگیز، تکان دهنده، یا زمانی که تصمیم می گیرد دلش را به خدا بدهد، زمانی هستند که دعا لازم است. همچنین زمانی که گشایشی برای متقاضی ایجاد شده، یا نیاز خاصی برآورده شده، درخواست ها، ستایش و اعتراف ها، زمانی هستند که دعا لازم می گردد. دعا در هر لحظه، در تمام جلسات مناسب است، خصوصاً وقتی طبیعتاً و بی اختیار صورت می گیرد.

دعای بی اختیار را نمی توان در کتابی نظیر این توضیح داد. اگر زندگی متقاضی شامل هوشیاری از وجد خدا بوده، و صحبت با خدا در مراحل مختلف روز کاری عادی بوده، لازم نیست تعلیمی در خصوص دعا داد. اما معمولاً اینطور نیست.

معمولاً متقاضیان شناختی از دعا ندارند، و به این دلیل در جلسات لازم است دعا به زبان آورده شود. اما توجه داشته باشید، اگر متقاضی بی ایمان است، و امکان دارد در دعا حالش مغشوش گردد (۴)، شاید بهتر باشد دعا را در سکوت (دل) انجام داد. ولی در بیشتر مواقع، چه مشاور در دعا پیش قدم شود (استفاده از ”ما“ می کند)، یا دعا برای شخص دیگر بکند (استفاده از ”من“ یا ”او“ می کند)، لازم است با صدای رسا انجام گیرد.

دلایل بسیاری هست برای چنین کاری. معمولاً مشاوران می خواهند توکل به خدا را در زندگی متقاضی گسترش دهند و بکار ببرند. در مواقع دیگر، لازم خواهد بود متقاضی را به جانب اعتراف به خدا هدایت کنند، تا ”نام خدا را بخواند“، یا بپرستد، یا خدا را بخاطر آنکه هست و آنچه انجام داده شکر نمایند.

تا اینجا من دو مورد از نیاز به دعا را نام برده ام: قبل از هر جلسه (و ناخداگاه)، و در طول جلسات زمانی که لازم است. مورد سوم نیز هست: در ابتدا و پایان جلسات. در چنین مواقع دعای شکر گذاری برای وجود خدا در جلسات، سرسپردگی به او، و هر آنچه آشکار شده نیز لازم خواهد بود. دعا را باید در چنین مواقع خط مشی شمرد، چون اوست که می خواهیم اجرا نماید.

دعای متقاضی

خوب است متقاضی را تشویق کرد دعا کند، چه در جریان جلسات، چه آغاز یا پایان جلسات، برای مشاور، و یا برای خودش. و به دنبال آن لازم است دعا و عبادت خانوادگی را جزء تکالیف خانگی (۵) ارائه داد، که شامل باز شدن کلام برای متقاضی است (۶)، چون هر چه شناخت و صحبت با خدا بیشتر باشد، کار مشاوره ساده تر خواهد شد.

قسمتی از زندگی با انضباط که لازمه حل مسائل است، با دعا و مطالعه منظم کلام صورت می گیرد. نتیجتاً لازم است این تکلیف را همان جلسه اول داد تا بنای آن هر چه زودتر آغاز گردد. از همان ابتدا لازم است متقاضی را متکی به خدا کرد. کلام و روح اوست، که تغییرات لازم را بوجود می آورند. جریانی است که باید هر چه زودتر آغاز شده و مورد تشویق قرار بگیرد. هیچ راه و برنامه دیگری نیست که بتواند رابطه منظم و سازمان یافته ای را با خدا ایجاد کند، جز جلسات عبادت خانوادگی (۷).

زمانی نیز در طول جلسات از متقاضی خواسته می شود دعا کند (البته بدون هیچ فشاری). خصوصاً زمانی که شامل گشایش روحانی بوده (یا کمکی به او شده). به این شکل منشأ کمک و برکت، به خدا واگذار می شود و نقش مشاور در این رابطه تنها بعنوان راهنما معلوم می گردد. از این طریق است که متقاضی با خدا و نقشه ای که برای او دارد آشنا می گردد. این گشایش ها نیز در طول جریان جلسات ایجاد می شوند، اما زمانی که به اعتراف منجر می گردند (”من تصمیم گرفته ام از مشروب، مواد مخدر، همجنس بازی، و غیره دست بردارم“؛ ”حال فهمیدم که باید با زخم آشتی کنم و مسئولیت محبت را عهده دار شوم“)، لازم است منشأ و حذف آن کاملاً روشن شود. در مقابل خدا است که مسئول هستیم و به اوست که جواب پس می دهیم. وقتی پس از سرسپردگی نسبت به هر تصمیمی که گرفته می شود، دعا صورت بگیرد، زمینه را برای روح القدس فراهم می سازد تا کار خود را انجام دهد.

در مجموع، آنچه اتفاق افتاده را خدا در دعا با متقاضی هم فکر و همکار می گرداند، و توکل را نه به مشاور، نه به محیط موجود، بلکه به خدای خالق می سپارد. این بینشی حیاطی است که در خدمت مشاوره مسیحی باید ایجاد گردد.

شکر و سرسپردگی، بگونه ای که دیده ایم، دو دلیل عمده ایست برای دعوت متقاضی به دعا. اما در دعوت به دعا احتیاط نیز لازم است. معمولاً در رابطه با درخواست کمک از خدا، متقاضیان هنوز آماده چنین کاری نیستند (بعنوان مثال ”آنگاه نیز که درخواست می کنید، نمی یابید، زیرا با نیت بد درخواست می کنید تا صرف هوسرانیهای خود کنید“ (یعقوب ۴: ۳). نتیجتاً لازم است مشاور دعا را ابتدا انجام دهد تا نمونه آن برای متقاضی فراهم شود(۸).

دعای اعتراف و نجات نیاز به صحبت بیشتری دارند. در اینجا فشار نادرست می تواند باعث ایجاد مسائلی گردد. زمانی که متقاضی بخاطر موردی که شکر گذار شده می تواند دعا کند، لزومی به فشار نخواهد بود چون فشار خودبخود در حال وارد شدن بر درون متقاضی هست که نیاز به زبان آوردن دارد. همچنین متقاضیانی که به اراده خود مدعی سرسپردگی شده اند مشکلی با دعا ندارند. نتیجتاً، چون نمی خواهیم فشاری که باعث دورویی می شود وجود آید (فشار از بیرون و نه از درون)، باید اطمینان بدست آورد که سرسپردگی ایجاد شده بخاطر خدا است، و نه به خواست مشاور. اگر نیاز به دعا با اراده خود متقاضی ایجاد نشده باشد (”من می خواهم به عیسی مسیح ایمان آورم“، یا ”آیا لازم هست به خاطر این از خدا طلب بخشش کنم؟“)، مشاور می تواند از متقاضی بپرسد (به شکل سؤال و نه فشار)، ”چرا به زبان خود از عیسی مسیح نمی خواهید منجی و خدای شما بگردد. اگر بخواهید می توانید این کار را همین حال انجام دهید. من می توانم شما را هدایت کنم“، یا، ”آیا می خواهید بخاطر این موضوع از خدا طلب بخشش کنید؟“.

اما زمانی نیز پیش خواهد آمد که باید بگوئید، ”شما بنظر من هنوز آماده این سرسپردگی نیستید. البته باید دعا را انجام بدهید، و تاخیر در آن گناه است. اما حال ممکن است حرفی بزنید که آماده انجام آن نیستید، و آن نیز گناه خواهد بود. امیدوارم در جلسه بعد بتوانید بهتر راجع به این موضوع با خدا صحبت کنید“. این کار، خطر عقب انداختن رابطه با خدا را ابراز می کند و از دورویی جلوگیری خواهد کرد.

زمانی نیز ممکن است چنین پیش آید (سرسپردگی خاص انجام نشده و به ناچار نمی توان به مشاوره ادامه داد، یا اعتراف نشده، بخشش انجام نگرفته، یا تغییر لازم ایجاد نشده) که مشاور باید بگوید، ”تا زمانی که این مسئله حل نشده نمی توانیم به جلسات ادامه دهیم. هر وقت آماده این کار شدید، با منشی من تماس بگیرید و قرار جلسه بعد را بگذارید؛ این مانع کار شده“. فشار به انجام کاری که خدا خواسته باید صورت بگیرد (عبرانیان ۳: ۷ تا ۴: ۱۳)، همراه هشدار های قوی نسبت به عوارض کوتاهی در آن؛ با این وجود، آمادگی متقاضی به انجام کار اولویت دارد.

چون متقاضیان با یکدیگر فرق دارند، خصوصاً در رابطه با کسانی که تشویق زیادی لازم دارند (“کم جرئتان را تشویق کنید؛ . . .” اول تسالونیکیان ۵: ۱۴ ب)، بسادگی نمی توان دانست چه مقدار فشار را به چه کسی وارد آورد. اما ممکن است بقیه آیه (“ . . . با همه بردبار باشید”) کمک کند. اگر تردید دارید، بردباری خود را بیشتر کنید. با این وجود نباید از یاد ببرید، متقاضیانی هستند که خجالت زده و کمرو می باشند و نیاز به فشار “تشویق کننده” دارند.

برداشت از سؤالاتی که متقاضی به زبان می آورد نیز می تواند نشانگر آن باشد که فشار تشویق کننده لازم هست یا نیست. در مواقعی می توان سرحالاً پرسید، “سعید خان، آیا لازم هست شما را به طریقی تشویق کنم؟”. البته در صورتی که واکنش تند و پرخاش گرانه باشد، آن نشانه خجالت و کمروئی متقاضی نمی تواند باشد، و در نتیجه زمان آن رسیده که عقب نشینی کرد. سؤالاتی نظیر، “چطور انجام دهم؟” یا اعتراضی نظیر، “اما من نمی دانم چه بگویم”، معمولاً حرفی است که به عبارت دیگر می گویند، “من خجالت می کشم چون تا بحال این کار را نکرده ام؛ کمک لازم دارم”. شیوه های طفره گرانه نیز نشانه موردی است که جلوی سرسپردگی به خدا را گرفته. تعویق انداختن (معمولاً همراه خجالت) ممکن است نشانه کمروئی باشد تا مورد دیگر.

به هر حال همه گونه دعا را باید تشویق کرد، نه به عنوان حلال مسائل، بلکه بعنوان ترویج روابط با خدا، و کمک به برداشت صحیح متقاضی از کلام.

مورد جانبی دیگر نیز هست، و آن اطلاعات زیادی است که می توان از طریق دعای متقاضی، و محتویات آن بدست آورد، اما هیچ گاه نباید از متقاضی خواست به این منظور دعا کند.

اصول دعا

در دوران مادی گرای امروز، امکان زیادی دارد که سؤال شود “دعا یعنی چه؟” و نه تنها در لحن تمسخر آمیز. نسل های بسیاری بوده که شناختی از دعا نداشته و در دعا نبوده اند. و حتی در میز شام نیز، دعا تبدیل به آداب و رسومی شده که معنی ندارد. کدام فرزندی را می شناسید که آموخته باشد چگونه مسائلش را پیش خدا بیاورد. فرزندان در خانه و آموزشگاه، به گونه ای رشد می کنند تا متکی بخود باشند (حتی مذحیشان آنها را به انجام کارشان متکی می دارد)، و سرانجام به خود محوری و خود خواهی و جسارت به یکدیگر خاتمه می یابد. بدون دعای مسیحی، خدا مدّ نظر نیست، با وجود آنکه عکس او و صلیبش در همه جا دیده شود. بدون دعای مسیحی، رابطه حیاتی با خدا نمی تواند وجود داشته باشد؛ اعتراف و توافق، ستایش، پرستش، و دریافت چیزی از خدا وجود نخواهد داشت. ارتباط با خدا ایجاد نگردیده و در نتیجه برداشت نیکوئی حاصل نخواهد شد.

اما حتی میان ایماندارانی که دعا می کنند (همه مسیحیان دعا می کنند؛ دعای مسیحیان بیشتر در دل انجام می گیرد تا به زبان آورده گردد)، عموماً نظرشان این است که دعا مشکل ترین کار بوده است. و نتیجتاً بخاطر هر دو مورد، این سؤال پیش می آید، “دعا یعنی چه؟” برداشتی که از کلام بدست می آوریم کمک خواهد کرد جواب این سؤال مهم را دریابیم.

بسیاری می گویند، “همه می دانند دعا یعنی چه”، ولی حرفشان هم درست است و هم غلط. تصویر شخصی که رویش را پائین گذاشته را عموماً نشانه دعا می شمارند. ولی این تصویر نیز توسط جنبش “کاریزماتیک” ها charismatic دارد از میان می رود، و حال همه دست ها را بالا و بسوی آسمان قرار می دهند. و جنبش “کلیسای یگانگی” Unity Church (که التقاط را به نهایت رسانده) را نمی توان ناگفته گذاشت؛ می گویند انسان دعا را بخود می کند، چون همانقدر خداست که دیگری خداست! حال متوجه می شویم که نمی توان گفت “همه می دانند دعا یعنی چه”. معلوم

است که نظرات مختلفی در مورد دعا وجود دارد، چه در محتوا و چه در اجرای آن، و بعضی مشخص است کاملاً مخالف یکدیگرند.

نظرات غلط در مورد دعا

بهتر است از نظراتی که باید از میان برد، چون خلاف کلام خدا می باشند، آغاز کرد. دو ساختمان مختلف را نمی توان در یک جا بنا کرد. یکی را باید خراب کرد تا دیگری جانشین آن شود. اصل تلقین بخود کردن را باید مردود شناخت. ظهور روانشناسی توام با خارج کردن خدا از صحنه، باعث چنین گرایشی شده. این برداشت را بگونه ای در تمام فرضیه های انسانی می توان یافت. بر اساس خصوصیات این فرضیه، دعا بخود آرامش می دهد، بینش عمیقتری را بدست می آورد، و یوق را از دوش بر می دارد. و البته آنچه صورت می گیرد کلاً بر درون انسان است. اما تماسی با خدا انجام نمی گیرد، اگر خدائی در واقع وجود داشته باشد. این اشخاص، بقدری بخود تلقین می کنند تا باور کنند خدا با آنها رابطه دارد. اما با این وجود، چون آرامش می گیرند، دعایشان را نمی توان بیهوده شمرد. دعا تا زمانی که انسان بی نتیجه نمانده و نا امید نشده خوب است.

البته فراموش نکنید که این برداشت، در مقابل آنچه خدا فرموده "بدانید که خداوند سرسپردگان را برای خود جدا کرده است و چون او را بخوانم، خداوند خواهد شنید" (مزمور ۴: ۳) را رد می کند. در دعای مسیحی، ایماندار مستقیماً با خدا صحبت می کند، و خدا خود فرموده که می شنود و پاسخ را نیز می دهد. رابطه حقیقتاً بر قرار می شود، نه خیالی؛ از آن برکت حاصل می گردد، نه فایده زود گذر. منافعی جسمانی که در جواب دعا بدست می آیند، برداشتی ثانوی می باشند. برداشت اصلی، خیریت خدا است. مسیحیان بخاطر آرامش دعا نمی کنند. علاوه بر این، آرامشی که بر اساس دعا بدست آید همیشه در حال رشد است، نه زود گذر. آرامش مسیحیان از آنجا بر می خیزد که در حضور خدائی می باشند که همه چیز را آفرید، و نیاز هایشان را "او" برآورده می کند. زمانی که مسیحیان توکلشان به دعای ظاهری است (یا اثری که حس می کنند)، بجای خدائی که به او دعا می شود به "خود" دعا می کنند. مشاوران لازم است به این مورد توجه کنند و الهام از خدا بگیرند. کسی که به او دعا می شود را باید اول شناخت، آنوقت به او دعا کرد. از جانب دیگر، خواست خدا شباهتی است که فرزندانش به عیسی مسیح دریافت می کنند، و نیازشان به این خاطر است، و به این دلیل به حضور خدا آمده اند (مسیح حل مسائلمان می باشد). دعائی که این هدف را نداشته باشد نمی تواند مورد قبول خدا باشد. هتماً بخاطر امیال نفسانی است.

فلسفه دیگری که باید رد کرد این است که دعا، ایماندار را تنها از درون تغییر می دهد، و کاری با آنچه خارج بر او است ندارد. بر این اساس، برداشتشان این است که ایماندار می تواند اعتقاد داشته باشد خداوند جواب دعایش را خواهد داد، اما تنها بگونه ای انجام می رساند که او را از درون تغییر می دهد. فرهنگ سرایان نمی توانند تصور کنند که مسیحیان می توانند برای باران دعا کنند. فرضیه ایست که از جانب التقات گرایان سر چشمه گرفته. ولی این فرضیه آنچه عیسی گفته را، "تا روزانه ما را امروز به ما عطا فرما" (متی ۶: ۱۱) غیر ممکن می سازد (۹). البته کلام خدا می آموزد که خدا در جواب به دعا از درون، شخص را تغییر می دهد. من صحبتم خلاف آن نیست، ولی می خواهم توجه را به اشکالی هدایت کنم که انسان را حذف می سازد. خواست خدا

همیشه خواست ما فرزندانش نیست. ما هستیم که باید موافق او گردیم، نه او موافق ما. نظر دیگری نیز در همین رابطه رواج دارد که می گوید ”دعا خواستن و بدست آوردن است“. می گویند ”دعا کنید“ و بدست خواهید آورد. ”هر چه از او بخواهید را دریافت خواهید کرد!“ گویا خدا صندوق اعانه ملی است. این را کلیسای ”مسیحی“ کاریزماتیک charismatic می گوید و یا پافشاری می کنند که هتماً باید به زبان ها دعا کرد. کسی از ایشان نپرسیده چرا حال که خدا کلامش به زبان ما ترجمه شده و از این طریق با ما صحبت کرده، لازم شده به زبان دیگری با او صحبت کنیم؟ خدا اگر زبان ما را قبول نداشت، چگونه درخواست نجات ما را پذیرفت؟ و اگر مد نظر رشد روحانی است، کلام بطور واضح به زبان ما صحبت کرده. حال چرا در کلام خدا راجع زبان ها صحبت شده، موضوع دیگری است.

فرضیه دیگری می گوید دعا تفکر و تعمق است. عیسی مسیح را قبول ندارد، ولی خصوصیتی که در دعای مسیحیان هست را برای پیش برد مقاصد خود بکار می گیرد. باید به آنها گفت که مسیحیان در دعا:

- (۱) تفکر و تعمق نمی کنند (هر چند ممکن است تبدیل به دعا گردد).
- (۲) تفکر و تعمق مسیحیان (خلاف تعمق مذاهب هندی transidental meditation) بر آیاتی است که در کلام است، و بر رابطه ایست که با ما دارد (مزمور ۱)؛ هیچ وقت بخاطر ارضاء امیال نفسانی نیست.

این دو، فرق بزرگی را آشکار می سازند. یکی تمرکز بر خود و امیال خود دارد، و دیگری تمرکز بر خدا. مسیحیان در ملکوت خدا زندگی می کنند و او مالک ایشان است. فرضیه دیگری که خلاف کلام است، از کلیسای کاتولیک سرچشمه گرفته. دعا در نام مقدسین و مریم نشانه:

- (۱) عدم پذیرش خدا در نام عیسی مسیح (تنها واسطه (۱۰) و
- (۲) نسبت دادن خصوصیات خدا به انسان های معروف (دانای همه چیز، حاضر در همه جا، و بعضی از آنها حتی قادر مطلق).

مریم را ”پناه گاه گناهکاران“ می شمارند. کسی که می توان از او خواست ”هدایت“ کند و ”تعلیم“ دهد، و ”هیچ گاه استغاثه را رد نمی کند“، و کسی است که ”دعا ها را می توان ابراز کرد“ و کسی که ”تنها نامش آسایش می رساند“! اوست که مسائل مربوط به باران و خشک سالی، قحطی و بلا را حل می کند (اقتباس از کتاب ”فرزند کاتولیک در زانوی مادر“ (۱۱)). در صفحه ۶۴۳ این کتاب می خوانیم:

”متأسفانه، شما عیب های بی شماری دارید که نمی گذارند فرزند دیندار و وظیفه شناسی که خدا می خواهد باشید. اگر بخواهید شفا یابید، باید از باکره برکت یافته تقاضا کنید“.

در برابر این بت پرستی چه می توان گفت؟ این فرضیه مریم را در جای خدا می نشاند. حتی بنظر می رسد که خدا به مریم وکالت داده جواب دعا ها را، او بدهد. آنچه نیاز به گفتن دارد این است:

(۱) هیچ جائی از کلام نمی توان چنین نظری را یافت. در هیچ جای کلام دیده نشده کسی به مریم دعا کند، و هیچ نشانی به این عنوان به او داده نشده. در حقیقت آیات کلام می گویند تنها به خدا دعا کنیم و آن را در نام عیسی مسیح ابراز کنیم. هیچ نشانی از دعا به شخصی یا فرشته ای نیست. آنچه کلام خدا می گوید با آنچه کلیسای کاتولیک می گوید فرق بزرگی دارد.

(۲) وقتی به شخصی دعا می کنید، تمام خصوصیات خدا را به او نسبت می دهید. بعنوان مثال، وقتی به او دعا می کنید، تصور بر آن دارید که او در همه جا حاضر است و به این شکل توانائی جواب دعا را دارد. ”همه جا حاضر“ از خصوصیات خدا است. همچنین آنکه توانائی جواب ها را دارد باید قادر مطلق نیز باشد چون نیاز ها گوناگون است. او باید توانای جواب همه را داشته باشد. ”قادر مطلق“ خدا است. البته وقتی مریم را ”مادر“ خدا نام می برند، تعجب ندارد که انسان را خدا بشمارند.

اصول دعای مسیحی

پس از صحبت کوتاهی راجع به نظرات غلطی که در مورد دعا هست، لازم است به آنچه کتاب مقدس می گوید پردازیم. من نمی توانم مطالعه جامعی از دعا را اینجا انجام دهم، و در نتیجه صحبت از آنچه کتاب مقدس در این مورد گفته خواهم کرد، و بعد تعدادی را عمیقاً بررسی خواهم کرد.

ابتدا کلمات یونانی که در عهد جدید بکار برده شدند را لازم است بشناسیم. این کلمات، بنیاد آنچه کلام خدا در مورد دعا گفته را فراهم می سازند.

اولین کلمه ”پروسوچه“ *proseuche* است. دامنه این کلمه وسیع است، و شامل همه کلمات دیگر می شود. از آن بیشتر از کلمات دیگر استفاده شده و معنی عمومی ”صحبت با خدا“ را دارد. کلمه ”اوچه“ *euche* را (اقتباس از *proseuche*) در یعقوب ۵: ۱۵ می بینیم، و به همان گونه نیز ترجمه شده است. اساس آن در واقع پهناورتر از ”پروسوچه“ می باشد، ولی چون تنها ۳ بار مصرف شده، در مقایسه با ”پروسوچه“ *proseuche* که ۳۳ بار مصرف شده، نمی توان آن را اساس، جامع، و در میدان وسیع عهد جدید، نام برد. شکی نیست که در زمینه استفاده و معنی، ”پروسوچه“ *proseuche* رتبه اول را دارد.

ترنچ Trench می گوید (۱۲) معنی ”پروسوچه“ *proseuche* این است: ”دعای عمومی“ و ”دعای همیشگی به خدا“. در اعمال ۱۶: ۱۶ از آن استفاده شده. در آنجا دعا را بگونه جامع (دعا های گوناگون)، و در مکانی که اختصاص به آن داده شده می بینیم. به این خاطر است که ”پروسوچه“ را کلمه دعا همگانی می شناسیم. کلمه ایست که در آن، ”مکان دعا“ را برای اظهار نیت دعا می بینیم، و متوجه می شویم که نیت تعدادی از افراد چنین بوده، و نتیجتاً دعای عمومی را اظهار می کند. تمام کلمات استفاده شده به عبارت از دعا، شامل جنبه ای از ”پروسوچه“ می شوند. افسسیان ۱: ۱۶ نشانگر چنین استفاده ایست، ”از شکرگزاری برای وجود شما باز نایستاده ام، بلکه پیوسته شما را در دعاهای خود یاد می کنم“. شکر و التماس هر دو را در ”پروسوچه“ پولس می بینیم.

کلمه دیگر “دئیسس” deisis است. این کلمه تمرکز بر موضوع خاصی دارد، با وجود آنکه معمولاً آن را پیوسته به “پروسوچه” proseuche می‌بینیم. خصوصاً در “دعا و تمنا” (افسیان ۶: ۱۷) و “دعا و استغاثه” (فیلیپیان ۴: ۶).
ترنج دو فرق را میان “دئیسس” deisis و “پروسوچه” proseuche نشان داده:

- (۱) proseuche “پروسوچه” جامع و پهناور است اما “دئیسس” deisis مربوط به درخواست های خاصی می‌باشد. به عبارت دیگر، “دئیسس” deisis تنها درخواست است، و هیچ گاه بخاطر شکر گذاری یا اعتراف مصرف نشده. در خواست بخصوصی است.
- (۲) “پروسوچه” proseuche همیشه جانب خدا را دارد، در صورتی که “دئیسس” deisis، بخاطر درخواست های خاصی از مردم نیز استفاده شده. درخواست هائی که از این طریق به خدا شده نیز همه جانب خاصی را دارند، در صورتی که “پروسوچه” دعای عمومی است. اما درخواست های خاص، “دئیسس” deisis نام دارند.

کلمه دیگری که در عهد جدید بکار برده شده “انتوکسیس” enteuxis می‌باشد. این کلمه معنی زیادی دارد، ولی بندرت از آن استفاده شده. معمولاً آن گونه استفاده شده که درخواست شخصیت کوچک تر را از برتر خود عنوان می‌کند (درخواست شهروندی از امپراتور). در آن خصوصیات بی‌باکی، دسترسی، و اطمینان را می‌بینیم. کسی در عبرانیان ۴: ۱۶ فرمانبرداری می‌کند، در حال انتوکسیس enteuxis می‌باشد.

کلمه دیگر “اوکاریستا” eucharista است، و عنوان “شکرگذاری” را دارد. از آن برای ابراز شکرگذاری از خدا استفاده شده. فرق آن با “دئیسس” deisis این است که، بجای تمرکز بر آینده، به عقب نگاه کرده و بیاد می‌آورد. جزئیات خاصی ندارد و تنها برای شکرگذاری بکار برده شده. مسیحیان در زندگی هم خوشنود و سپاس گذارند، و هم غم و اندوه را می‌چشند. زمانی که یک مسیحی ضرر مالی می‌بیند، یا محبوبی را از دست می‌دهد، کلام خدا غم و اندوه را جایز شمرده (اما در امیدی که به ماتم منجر نمی‌شود، اول تسالونیکیان ۴: ۱۳)، اما بخاطر وعده ای که در رومیان ۸: ۲۸ (و آیات دیگر) داده شده، شکرگذاری را نیز لازم شمرده، حتی اگر دلیل واضحی برای آن در دست نبوده باشد (حال شاید نه، ولی روزی درک خواهیم کرد). فرمانده سپاهیان نقشه خود را در دست دارد و برای خیریت سپاهیان بکار گرفته است. آزمایش و سختی های زندگی، خود قسمت عمده برنامه پدر آسمانی برای فرزندان است، که منجر به سلامتی دائم آنها می‌گردد. دعای سپاس گذاری آن را تأیید می‌کند. شرط دعای شکرگذار، بجای شک و نگرانی (فیلیپیان ۴: ۶)، حاکمیت خدا را در زندگی مسیحیان بیاد می‌آورد. تنها کسی که زندگیش را در پرتو مشیت خدا می‌بیند، توانائی آن را دارد که در میان غم و اندوه، شکرگذار نیز باشد. و به این شکل از بند آن خلاص شده و آزاد گردد. همچنین، امکان آن را می‌دهد تا آزمایشی که پیش آمده را در صلح و آرامش بررسی کند، و نقطه آغاز آن در زندگیش مکشوف گردد. اینگونه بررسی ها آزادی بیشتری را برای متقاضیان ایجاد می‌کند و خدا را جایگزین مسائل و مشکلاتشان می‌نمایند (بجای تلقین و دورویی).

متقاضی حق شناس، حتی پس از دریافت حل مسائل، شکرگذار نخواهد بود. و تا زمانی که نیاموخته شکرگذار باشد، حتی شیرین ترین میوه ها بر دهانش طعم خوشی نخواهد داشت. هر که دچار ناشکری بوده، زندگیش پر از آشوب و ناهماهنگی بوده. مشاوران مسیحی باید از عوارض

بسیاری که ناشکری دارد، آگاه باشند، و با محبت زیادی که خدا دارد با آن مواجه شوند. کلمه "اوکاریستا" ۳۳، eucharista بار در عهد جدید به شکل فعل استفاده شده و ۱۵ بار به شکل نام. اهمیتی که دارد را در تعداد باری که از آن استفاده شده می توان یافت. و نهایتاً دو کلمه دیگر را باید نام برد: "ایتما" aitema، و "هیکتریا" hiketeria. "ایتما" aitema کلمه ایست که تنها دو بار در عهد جدید برای عنوان درخواست و دادخواست از خدا استفاده شده (۱۳). هر دو بار (فیلیپیان ۴: ۶ و اول یوحنا ۵: ۱۵) بگونه جمعی از آن استفاده شده. هر اندازه "پروسوچه" proseuche باشد، یقیناً "ایتما" aitema های فراوانی وجود خواهند داشت. در دعای عیسی مسیح، بسیاری تعداد هفت "ایتما" aitema را یافته اند (۱۴). لغت نامه پری (۱۵) Berry، "دئیسس" deisis و "ایتما" aitema را یک نوع خوانده. تنها موردی که فرق را میانشان می گذارد، نیاز است که همیشه جزء "ایتما" aitema می باشد. "هیکتریا" hiketeria کلمه دعا است که در تواضع و فروتنی انجام می گیرد. در عهد جدید تنها یک بار از آن استفاده شده (عبرانیان ۵: ۷ که همراه با "دئیسس" deisis کار برده شده). آن را می توان "تضرع" یا "تقاضا در فروتنی" بشمار آورد.

کلمات نام برده، برآورد خوبی از ترکیبات دعا می باشند. مشاوران مسیحی باید خود را با این کلمات و ترکیبی که دارند آشنا سازند، چون دائماً از آن استفاده خواهند کرد. البته خدا دانای همه چیز هست، اما از فرزنداناش خواسته (فرمان داده) که دعا کنند (متی ۶: ۸). روح القدس است که زمینه را در دست می گیرد. خدا است که به این وسیله کار می کند. نیازمندی ها، عمومی یا خصوصی، همراه با شکرگذاری، اشتیاق، و فروتنی، اساس دعا را می سازند. ما هستیم که از آن بهره می گیریم. خدا نیاز به اطلاع ما ندارد. ما هستیم که او را در خود کامل می سازیم. حال اگر دو خاصیت دیگر را به خصوصیات نام برده اضافه کنید، سیمای کاملی از دعا را خواهید داشت: اعتراف و پرستش.

حرف یونانی اعتراف، "هومولوگیا" homologia می باشد، و معنی تکرار مورد را دارد. عمده ترین آیه ای که در آن بکار برده شده در اول یوحنا ۱: ۹ است. اعتراف نیز، تکرار آنچه خدا در مورد ما گفته می باشد. توافق و یکدلی با خدا است. در مسیر پاکسازی جای گرفته و جزء میوه توبه می باشد ("متانویا" metanoia یعنی تغییر افکار که باعث تغییرات دیگری در زندگی می شوند). اعتراف نشانه آزادی از گناه را نیز بخود می گیرد. و به این دلیل، اعتراف باید از دل آغاز شده و به زبان آورده شود. لزوم اعتراف را در امثال ۲۸: ۱۳ می بینیم (۱۶):

امثال ۲۸

۱۳: هر که گناه خود را بپوشاند،

کامیاب نخواهد شد،

اما هر که آن را اعتراف کند

و ترک نماید،

رحمت خواهد یافت.

مثال های خوبی از اعتراف را می توان در مزمور ۵۱، عزرا ۹، و دانیال ۹ بدست آورد. پرستش بیشتر جنبه اجرائی دارد تا فکری. مثال خوبی از آن را می توان در مزمور ۱۰۳: ۲۰ تا ۲۲ بدست آورد. نویسنده این مزمور خدا را بخاطر آنچه هست و آنچه کرده می ستاید. پرستش،

یعنی شکر خدا برای نوعی که هست. بخاطر نوعی که هست، کارهایش نیز از نوع اوست. در پرستش خدا است، که می گوئیم «آبا پدر». معنی آن باید برای متقاضی روشن شده باشد تا با دل بگوید «آبا پدر».

رومیان ۸

۱۵: چرا که شما روح بندگی را نیافته اید تا باز ترسان باشید، بلکه روح پسرخواندگی را یافته اید که به واسطه آن ندا در می دهیم: «آبا، پدر».

دعائی که محدود بر نیازمندی ها و امیال انسانی است، مسیحی نیست. مسیحیان خواهان کمالی می باشند که تنها در خدا است. به این خاطر است که اعتراف و شکرگذاری و پرستش صورت می گیرد. هدف خدا است، و راه اعتراف و شکرگذاری و پرستش در او است. اصل موضوع خدا است، نه آنچه از او بدست می آوریم.

مشاوران مسیحی باید اساس پرستش خدا را برای متقاضیان شرح بدهند تا بتوانند آنها را همراه خدا گردانند. معمولاً متقاضیان تنها خواهان حل مسائلشان هستند و در نتیجه همراه با خدا نیستند. زمینه کار برای روح القدس فراهم نشده. خواست خدا است که زمینه را فراهم می سازد. باید خدا را خواست تا روح القدس خصوصیات (برکات) خدا را شامل ما بگرداند. خود خواهی است که سد راه می باشد (و معمولاً باعث مسائل می گردد). خود خواهی را باید به خدا خواهی تبدیل کرد. این کار نیز محتاج شناخت خدا و طریقی است که در فرزندانش کار می کند. خدا در همه، یک جور کار نمی کند. و به این دلیل است که از ما خواسته طالب او باشیم. چون در اوست که زندگی ما نهفته است.

متقاضی زمانی خدا را خواهد پرستید که او را شناخته باشد. این شناخت البته شامل حل مسائل متقاضی می شود، ولی به شرط آنکه حل مسائل، او را در راه خدا هدایت کرده و در آن نگاه دارد. در این راه است که متقاضی به توبه (تغییر افکار و تغییر رفتار) هدایت می گردد. در نتیجه توبه است که منجر به برکات خدا می گردد. زمانی که متقاضی از خدا برکت دریافت کند، آنوقت به راستی می تواند شکرگذار باشد. قدری از خود خالی شده و از خدا پر شده است. خدا را چشیده که چقدر نیکوست. و حال موقع آن رسیده که از شکرگذاری به پرستش خدا قدم بردارد، چون زمینه برای آن فراهم شده. شکرگذاری بخاطر کار هائی است که خدا انجام داده. البته باید شکرگذار بود، ولی کار خدا تمام نشده. زندگی آینده متقاضی نیز در دست خدا است. خواست هائی که خدا برای متقاضی دارد فراوان است، و پرستش خدا است که متقاضی را پذیرای خواست های دیگر او می گرداند. متقاضی را باید متوجه کل زندگی کرد. همه درخواست ها، آنگونه و زمانی که طالب آن بوده ایم، پاسخ دریافت نمی کنند. آنچه رضایت ایمانداران را فراهم می سازد این است که خدا «وعدده» داده، و به وعده هایش همیشه وفادار است. خدا کار را انجام می دهد، ولی نمی توان نوع کار و زمان و طریق انجام آن را به خدا تحمیل کرد. خدا است که فرزندانش را می سازد.

در نتیجه تجربه از کار خداست (شناخت از طریق کاربرد کلامش)، که زمینه را برای پرستش خدا فراهم می سازد. و پرستش اوست، که راه را برای خدا باز نگاه داشته ایماندار را در او محفوظ می دارد. مسیحیان در پرستش، خدا را بخاطر وجودش می پرستند، نه بخاطر کاری که کرده یا نکرده. پرستش خدا، خودخواهی را با مرور زمان از میان بر می دارد، و خدا را جانشین آن می کند. اما، یافتن خدا در زندگی، نیاز به رشد نیز دارد. و در زندگی آینده متقاضیان نیز خدا در حال کار خواهد بود. نتیجتاً، پرستش است که زمینه را باز نگاه می دارد تا تمام خواست های

خدا، یکایک به اجرا گذاشته شوند. پرستش خدا شامل برکات او نیز خواهد بود. طول نخواهد کشید که پرستش خدا، اثرات بسیار مؤثری از خود بجای خواهند گذاشت. و این دقیقاً آنچه متقاضیان لازم دارند می باشد.

فهرست زیر نویس های فصل ششم (بخش ۱)

- (۱) امیدوارم پس از این، مشاوران مسیحی کتاب های پر ثمری را در این رابطه فراهم سازند.
- (۲) برای اطلاع بیشتر راجع به براداشت یادداشت و بایگانی اطلاعات، به ”راهنمای مشاوران مسیحی“، فصل ۲۵ مراجعه کنید.
- (۳) تنها برای استفاده شخصی مشاور، چون این یادداشت ها نباید در دست شخص دیگری بی افتد.
- (۴) بعنوان مثال، ممکن است مشاور نخواهد در حال حاضر راجع به موضوعی که با خدا در میان نگذاشته صحبت کند.
- (۵) برای صحبت بیشتر راجع به تکالیف، به فصل های آن در کتاب ”راهنما“ مراجعه کنید.
- (۶) من کتابچه عبادتی به نام ”چهار هفته با خدا و همسایه خود“ را برای متقاضیان فراهم ساخته ام تا مکمل مشاوره باشد.
- (۷) کتابچه ”چهار هفته“ تاکید بر انضباط و تغییر دارد؛ این دو مطلب لازمه مشاوره می باشند.
- (۸) البته در این زمینه استثنائی نیز وجود دارد. امکان دارد زمانی پیش آید که پس از تعلیم دعا، از متقاضی خواست دعا کند.
- (۹) یا خواست دیگر عیسی مسیح ”ما را در آزمایش میاور“.
- (۱۰) اول تیموتاوس ۲: ۵
- (۱۱) The Catholic Child at the Mothers Knee
- (۱۲) Synonyms of the New Testament صفحه ۱۸۹
- (۱۳) و یکبار در لوقا ۲۳: ۲۴ بعنوان درخواست از مردم استفاده شده.
- (۱۴) Synonyms صفحه ۱۹۱
- (۱۵) Greek English Lexicon of the NT صفحه ۱۲۱
- (۱۶) من راجع به اعتراف بعداً صحبت خواهم کرد.